

نقش اعلان اراده در انشاء ایقاعات ایران و انگلستان

سیدمحسن صالحی ابری^۱، مجتبی نیک دوستی^۲✉، محمد جعفری فشارکی^۳

چکیده:

زمینه و هدف: ایقاعات برخلاف عقود که نیازمند توافق دو اراده‌اند، از اراده‌ای واحد نشأت می‌گیرند. این خود دلیلی است که طرفداران عدم لزوم اعلان اراده در ایقاعات، بدان متوسل شده‌اند. این موضوع البته در نظام‌های مختلف حقوقی نیز محل مناقشه است. بر این مبناء با رویکردی تطبیقی به دنبال بررسی این امر هستیم که اعلان اراده در انشاء ایقاعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان چه نقشی را ایفاء می‌نماید؟

روش‌شناسی: تحقیق حاضر با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: بعضی از حقوقدانان اعلام اراده را در ایقاعات به جز مواردی که مشخص است، موثر نمی‌دانند به خاطر یک طرفه بودن ایقاعات و برخی دیگر حکم ماده ۱۹۱ قانون مدنی را در ایقاعات به خاطر روابط انسانها در اجتماع و پیوسته بودن باطن آنها قبول کرده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به این که فقه امامیه ماده ۱۹۱ را در عقود لازم دانسته، اعلان اراده در ایقاعات هم به عنوان شرط وقوع لازم است. راهکاری که می‌توان ارائه کرد این است که اگر قانون‌گذار در انشاء ایقاعات نیز، مانند عقود، اعلان اراده را مصوب کند، خلاءها و کاستی‌های اعلان اراده در ایقاعات برطرف خواهد شد. در اعمال حقوقی انگلستان، چه عقود و چه ایقاعات اعلام اراده شرط وقوع اعمال حقوقی است.

واژگان کلیدی: اعلان، انشاء، اراده، ایقاعات، ایران، انگلستان.

* استناددهی (APA): صالحی ابری، سیدمحسن؛ نیک دوستی، مجتبی و جعفری فشارکی، محمد (۱۴۰۰). نقش اعلان اراده در انشاء ایقاعات ایران و انگلستان. تحقیقات حقوقی آزاد. ۱۴(۵۱): ۱۹۵-۱۷۹. قابل بازیابی از: http://alr.iauctb.ac.ir/article_684780.html

* گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

رایانامه: mohsen.abri@gmail.com

** گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: m.nikdoosti@khuisf.ac.ir

*** گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

رایانامه: mohamad.jafari@gmail.com



مقدمه

در عقود به نص ماده ۱۹۱ قانون مدنی، عقد ایجاد می‌شود به قصد انشاء، انشاء در برابر اخبار است و مقصود این است که موضوع اراده باید مسبب اثر حقوقی شود و نحوه اعلان، مؤثر در مقام نیست و از هر گونه‌ای که اعلان باطنی اعلام شود و مقصود حاصل شود، کافی می‌باشد. در این خصوص، ماده ۱۹۱ ق.م. مقرر کرده است: «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند»، یعنی اعلان اراده باطنی شرط وقوع عقد می‌باشد. اما پیرامون ایقاعات قانون‌گذار ایران این مطلب را به سکوت بر گزار نموده است و نصی در این خصوص موجود نیست. گروهی اعتقاد دارند که اصل در ایقاعات، عدم ضرورت اعلان در انشاء است مگر مواردی که قانون‌گذار به طور استثنایی اعلان را لازم دانسته باشد (امامی، ۱۳۶۸: ۴/۴ و شهیدی، ۱۳۸۵: ۲۰۵، و مدنی، ۱۳۸۳: ۲/۲۸۹).

اما گروهی دیگر این استدلال را رد می‌کنند و اظهار می‌دارند که اعلان در ایقاعات به مرحله وقوع پیوسته است و در ایجاد ایقاعات به صورت شرط، نقش آفرینی می‌کند (باقری، ۱۳۸۲: ۲۰۱ و امیری قائم‌مقامی، ۱۳۸۷: ۲/۱۴۶). از نظر این گروه تا اراده باطنی اعلان نشود، ماهیتی در عالم اعتبار خلق نمی‌شود. ماهیت ایقاعات بطور کلی منشأ التزامات در روابط اجتماعی است و ناظر به اعمال حقوقی و نیز قانون می‌باشد که مسبب آثار حقوقی و قضائی است. توافق اراده در معنای کلی یکی از مواردی است که ذمه اشخاص را در برابر یکدیگر مشغول می‌کند و ملتزم می‌کند که آنچه را در برابر دیگری اراده کرده‌اند، به مرحله فعلیت برسانند (عباس و نیک‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱). در نظام حقوقی انگلستان، قبل از این که عمل حقوقی یک طرفه وارد قوانین آن کشور شود، برای انجام هر عملی باید یک طرف تعهد می‌داد و طرف دیگر عوض آن را می‌پرداخت. این مساله با اعلان و با قصد رضایت همراه بود. این عوض عبارت است از انجام یا ترک فعل بجای دادن آن (کاربین - ارتور لیتون،^۱ ۱۹۸۸: ۳۱-۳۳). دادرسان در حقوق انگلستان بیشتر وقت خودشان را صرف این مورد می‌کردند که بدانند قراردادهای دوطرفه اراده از اکراه-اغوا و فریب-اشتباه-تقلب و خدعه و اعمال نفوذ ناروا به دور بوده‌اند؟ هر گاه دو طرف قرارداد به یک اراده تبدیل می‌شد، آن وقت اجماع حاصل می‌گردید. کار عمده دادگاهها فقط این بود که کشف کنند طرفین قرارداد راجع به چیزی که توافق کرده‌اند، به دور از اشتباه و اکراه باشد. این برداشت‌ها نمی‌توانست معضلات حقوق انگلستان را حل نماید. در نهایت، انگلستان آثار و نوشته‌هایی از اساتید حقوق انگلستان را که تحت تاثیر آثار حقوق دانان قاره اروپا قرار گرفته بودند پذیرفت و اعلان اراده و اعمال حقوقی یک طرفه را قبول کرد (نوین، ۱۳۹۰: ۲۱۰). بر این مبناء و با نگاهی تطبیقی نقش و جایگاه اعلان اراده در انشاء ایقاعات ایران و انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۱. Carbin - Ertorliton

۱. ماهیت ایقاع

ایقاع در لغت عرب به معنی واقع ساختن و تحقق بخشیدن است. در فقه و حقوق مدنی تعریفی از ایقاع ارائه نشده است. اعمال حقوقی که در پرتو اراده افراد در جهت ایجاد ماهیت‌های حقوقی صورت می‌گیرند، از دو حال خارج نیستند: یا عقد هستند یا ایقاع (عباسی و نیک‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱). حقوقدانان تعاریف متعدد و گوناگونی از ایقاع به عمل آورده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. در یک تعریف کلی، ایقاع عمل حقوقی است که با یک اراده واقع می‌شود، اما با توجه به نامفهوم بودن اصطلاح «عمل حقوقی» در فرهنگ حقوقی ایران، در تعریف دیگری آمده که ایقاع، انشا اثر حقوقی است که با یک اراده واقع می‌شود (فرهنگ معین، ۱۳۹۰: ۴۳) و یا اینکه ایقاع، عمل یک طرفه‌ای است که به صرف قصد انشا منشأ یک اثر حقوقی می‌شود، بدون اینکه تأثیر قصد مذکور ضرری به دیگری برساند مگر در موارد مصرح در قانون (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۸). برای تحقق اراده انشایی ایقاع ابتدا لازم است ایقاع‌کننده با طی مراحل در ذهن خود اراده باطنی را محقق سازد. برخی از حقوق‌دانان اعتقاد دارند از آنجایی که ایقاع با حقوق دیگری در ارتباط است و نیز به منظور تضمین اجرای تعهدات ناشی از ایقاع و همچنین، به خاطر این که اراده باطنی در عالم حقوق اثر داشته است، لازم است ایقاع‌کننده آن را ابراز کند (ازندرانی و ذاکری‌نیا، ۱۳۹۴: ۴).

فقهائ نیز تعاریف متفاوتی از ایقاع بیان نموده‌اند که خیلی مبهم است و در اصطلاح ۹۸۷ کتاب ترمینولوژی حقوق سابقاً ایقاع چنین تعریف شده است: «عملی است قضایی و یک‌جانبه که به صرف قصد انشاء یک طرف، منشاء اثر حقوقی شود، بدون این که تأثیر قصد مذکور ضرری به دیگری برساند مگر در موارد مصرح در قانون مانند أخذ به شفعه و طلاق (ازندرانی و ذاکری‌نیا، ۱۳۹۴: ۴).

از تعاریف دیگر چنین می‌توان برداشت نمود که: انشاء اثر حقوقی است که با یک اراده انجام می‌گیرد. حقوقدان دیگری هم بیان کرده‌اند: «ایقاع عمل حقوقی است که با یک اراده حاصل می‌شود. در ایقاع، تصمیم‌گیرنده یک شخص است. طلاق از جمله ایقاعات است. اراده زن را لازم ندارد، ابراء دین و فسخ قرارداد از انواع ایقاع است. در ابراء کافی است که داین مدیون را از دین بری نماید و رضایت مدیون لازم نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴۱). در انگلستان، عقد یک طرفه توافقی دوجانبه است. در حقوق انگلستان هم ابراء دین و طلاق از جمله ایقاعات است که با یک اراده انجام می‌گیرد (ویدک شو، ۱۹۹۶: ۱۹۲). در واقع، عقدی است که یک یا چند تعهد که توسط یکی از طرفین قرارداد انشا می‌شود و طرف دیگر به آن رضایت می‌دهد و تنها متعهد دارای تکلیف الزام‌آور است و طرف دیگر می‌تواند آن را قبول کند یا نکند، در اعمال حقوقی یک طرفه انگلستان نیازی به اعلان قبول نیست، اما کسی که ایجابی را موجب می‌شود، اعلان اراده لازم است

و در اعمال حقوقی چه ایقاع و چه عقد در انگلستان انشاء ضروری می‌باشد. هرچند که انگلستان داشتن عوض در اعمال حقوقیش را لازم می‌دانست، اما کم‌کم این اعمال حقوقی از حقوق اروپا وارد این کشور شد.

۲. اراده از نظر علمای شیعه

اراده در لغت به معنی قصد کردن آمده است (اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۰۶). در اصطلاح فقه و اصول اشتیاقی است که بعد از تصور و تصدیق حاصل می‌شود (عراقی، بی‌تا: ۱۹۴/۱). البته، به آن شوق مؤکد هم گفته می‌شود (الموسوی البجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۱۵/۱). پس، اراده از مقوله کیفیت نفسانی است (فیاض، بی‌تا: ۱۷/۲). معنای اراده در فقه و حقوق از معنای اراده در فلسفه تاثیر گرفته است (صلیبا، ۱۳۸۱: ۱۲۴). در فلسفه هم مطابق یک نظر اراده عبارت از حالت شوق اجمالی برای نفس دانسته شده است (الموسوی الخمینی، ۱۴۱۳: ۱ / ۶۱).

۲-۱. مفهوم اراده

در حقوق، اراده از مبانی اعتبار قرارداد شمرده شده است. مقصود از اراده در اصل حاکمیت اراده، اراده انشایی است (شهیدی، ۱۳۹۵: ۵۵). در اصلاح حقوقدانان اراده، حرکت نفس به طرف کاری معین پس از تصور و تصدیق منفعت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۲۴). در این تعاریف از شرایط تحقق اراده، قصد انشاء است که این تعریف نشان‌دهنده اهمیت اراده ظاهری است که اراده باطنی را اعلان کند. همچنین، گفته‌اند اراده در اصطلاح حقوق ایران به معنای خواستن است، اما در شرط روانی معامله یا ایقاع، بر اساس بند یک ماده ۱۹۰ قانون مدنی، اراده به دو حالت جداگانه رضاء درونی و قصد تفکیک شده است. گاه مجموع قصد و رضاء و گاه منحصر به قصد انشاء (شهیدی، ۱۳۹۵: ۵۵). در حقوق انگلستان، مفهوم یا بار حقوقی اراده با مفهوم آگاهی یا دلیل و مستند تفاوت دارد. اراده مبین صلاحیت یا اهلیت برای انجام کار است. لذا، افراد غیرسالم و کودکان فاقد اراده هستند. بدین ترتیب، مفهوم اراده در حقوق انگلستان برای ایجاد مسئولیت حقوقی اهمیت شایانی دارد. اراده مترادف ایجاب است. ایجاب باید صریح و روشن باشد و بر مبنای عدالت باشد (نوبین، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

۲-۲. واکای قصد

قصد در لغت به معنای در پیش گرفتن راه، برخورد بهتر دقیق هدف، آوردن شی مورد نظر، عزم و توجه به سوی چیزی به کار رفته است. مفهوم اصطلاحی قصد عبارت است از عزم به انشای التزام و تعهد و منظور از عزم به شی، اراده و عقد قلبی برآن است (قنواتی، ۱۳۷۸: ۹۰). برخی از فقها می‌گویند که قصد از شرایط متعاقدين است و عقد بدون قصد محقق نمی‌شود (توکلی، ۱۳۹۹:

۲۷). در حقوق انگلستان، قصد اهلیت یک امر یا تصمیم ذهنی است که برای رسیدن به یک هدف معین و ممکن در ذهن هر یک از طرف‌های قرار داد شکل می‌گیرد. در حقوق انگلستان قصد به تنهایی یا قصد مجردی که در ذهن نهفته بود، منشاء هیچ اثر و اهمیت حقوقی نبود و کم‌کم قصد و اعمال حقوقی یک طرفه وارد این کشور گردید، به خاطر این که وقتی که شخص اقداماتی را انجام می‌دهد، این سؤال پیش می‌آید که او برای چه منظوری این اقدامات را انجام داده است. در این موقع، این قصد می‌تواند یک رابطه حقوق توأم با مسئولیت حقوقی را ایجاد نماید. در حقوق انگلستان، قصد برای اعمال حقوقی واجب است، زیرا در این کشور استدلال می‌شود هنگام تعهد یا عملی باید قصد وجود داشته باشد. البته، قواعد اولیه کامن لا وجود قصد را رد کرده بود.

کامن لا قدیمی استدلال می‌کرد که قصد در قلب طرف وجود دارد و قابل دسترس نیست، در حالی که قصد به عنوان یک عامل یا عنصر حقوق ضروری در قاره اروپا مستقر شده است. نتیجتاً، تئوری قصد از طریق نوشته‌های حقوق دانان اروپایی به حقوق انگلستان نفوذ کرده است (نویسن، ۱۳۹۰: ۲۰۷). در قانون مدنی ایران در ماده ۱۹۰ به قصد طرفین و رضای آنها اشاره کرده است، اما در حقوق مدنی فرانسه به عنصر قصد اشاره‌ای نشده است، ذکری از واژه قصد به میان نمی‌آید (نویسن، ۱۳۹۰: ۱۲۴). اراده متشکل از دو عنصر قصد و رضاست و در ایجاد تعهدات نقش اساسی دارد (مجتهد سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱).

۲-۳. تاثیر رضا در عمل حقوقی

رضا به معنی میل و اشتیاق معامله به انجام دادن عمل حقوقی است (عبدی‌پور و وحدتی‌شیرینی، ۱۳۹۶: ۲۳۰-۲۳۱). در حقوق انگلستان، رضایت در اعمال حقوقی پذیرفته شده است که به عنوان ایجاب و اعلان گفته می‌شود. در اعمال یک طرفه انگلستان نیز وجود رضایت ضروری دانسته شده است. در حقوق فرانسه، رضایت که یکی از شرایط اساسی در اعمال حقوقی می‌باشد، ذکر شده است (نویسن، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

۳. تبیین عمل حقوقی

در حقوق ایران اعمال حقوقی یا عقد است یا ایقاع، یعنی به دو دسته تقسیم می‌شوند، ولی در حقوق انگلیس، خود عقود به عقد با چند تعهد و عقد با یک تعهد مانند جعاله عام که فقط جاعل تعهد دارد، تقسیم می‌شوند و ایقاعات هم که قسم جداگانه هستند، التزام و تعهد^۱ یکی از قدیمی‌ترین قواعد حقوقی انگلستان است. جمله یا واژه فوق معادل این جمله در زبان یا ادبیات انگلیسی است: «He undertook»، یعنی «وی ملتزم و متعهد گردید».

در حقوق انگلستان، هر نوع عملی، قول و وعده شفاهی باید وابسته به دلیل و انگیزه‌ای باشد. در

^۱ Assumpsit

حقوق انگلستان که قول و وعده اساس و بیان اراده است، و به همین دلیل است که امروزه در حقوق انگلستان «بیان هر نوع اراده در اعمال حقوقی دوطرفه بدون عوض یا تعهدی متقابل، فاقد اثر حقوقی است».

درست است که در حقوق انگلستان برای انعقاد قرارداد وجود یک توافق ضروری است، اما باید دانست که در آن نظام حقوقی، میان توافق^۱ و معامله^۲ (از جهت ماهیت حقوقی هر یک از آنها) تفاوت اساسی وجود دارد. «معامله» معمولاً ترتیبات و توافقاتی است میان دو طرف برای حصول یک نتیجه مطلوب و آن عبارت است از تبادل کالا یا اموال با اخذ سود، اعم از اموال منقول یا غیرمنقول، در حالی که ما چنین قیدی را در حقوق فرانسه و حقوق ایران درباره ماهیت توافق یا معاملات نداریم؛ به این صورت که در نظام حقوقی انگلستان وقتی واژه معامله Deal بکار گرفته می‌شود، علاوه بر عناصر قانونی و ضروری برای اعتبار یک قرارداد، این رابطه حقوقی باید متضمن دو عنصر دیگری نیز باشد: یکی عوض و دیگری ماهیت تجاری برای معامله. اما در حقوق ایران و فرانسه به توافق یا قرارداد به نظر عام و کلی نگاه می‌شود، اعم از اینکه معوض باشد یا غیرمعوض، اما در تعهدات یک طرفه نیازی به توافق و قبول در انگلستان وجود ندارد، هر چند شخص مقابل می‌تواند اعطایی را قبول نکند.

۱-۳. نظر فقها در چگونگی اعلان اراده در اعمال حقوقی

در خصوص چگونگی اعلان اراده در انشاء اعمال حقوقی بعضی از فقها بیان نموده‌اند که تنها صیغه‌های بخصوصی که در شرع آمده‌اند باید استفاده شوند تا اعمال حقوقی شکل بگیرد (فخرالمحققین، بی تا: ۱۲/۳ و الکرکی، ۱۴۱۰: ۵/۶۰) و دلیلشان هم این بود که اسباب شرعی توقیفی هستند و بنابراین، برای ایجاد آن‌ها باید از صیغه‌های بخصوصی که در شرع ذکر شده است، استفاده نمود (الکرکی، ۱۴۱۰: ۵/۶۰ و فخرالمحققین، بی تا: ۲/۳). البته، این نظر را بعضی از فقها قبول نکردند و اظهار داشتند که دلایلی که در منابع فقه وجود دارد، مفهوم اعتبار صیغه‌های بخصوصی نیست و دلیل صریحی وجود ندارد که لفظ معین را اعتبار کرده باشد (العاملی، ۱۴۲۳: ۱۴۷/۳ و المقدس‌الاردبیلی، ۱۴۱۶: ۹/۱۰ و ترحینی‌العاملی، ۱۴۲۶: ۳۳۶ و ۳۳۷). همچنین، نباید معاملات را توقیفی دانست، چون که شریعت اسلام به تشریح نپرداخته است و معاملات دارای حقیقتی شرعی نیستند و عرفی هستند و فقط فقها آن را امضا کرده‌اند (السبحانی، ۱۴۰۵: ۶۵/۱ و الموسوی‌الخمنی، ۱۴۰۷: ۱۱۰). بعضی از فقها به ویژه متقدمین ضرورت استفاده از لفظ (نه صیغه‌های بخصوص) را در ایجاد معاملات و بالاخص عقود لازم دانسته‌اند؛ یعنی برای انشاء باید فقط از لفظ استفاده شود. البته، در صورتی که شخص قادر به سخن گفتن نباشد، لازم نیست و

¹. Agreement

². Deal

اشاره این شخص کافی است (الحسنی العاملی، ۱۴۰۷: ۳/۲۰۳ و ۲۰۴ و مکی العاملی، ۱۴۱: ۳/۱۹۴ و الحلّی، ۱۴۲۳: ۸/۱۰). بعضی از ایشان ضرورت استفاده از لفظ را در تعریف عقد داخل نموده‌اند و عقد را الفاظی قبول کرده‌اند، البته به شرط (تقارن با اراده باطنی) (محقق حلّی، ۱۹۸۸: ۳/۲۰ و العاملی، ۱۴۲۳: ۱۵۲/۱۵۳). دلیل این‌ها عبارتند از ۱- استقرایی بودن این مطلب (الطباطبایی الحکیم، ۱۴۰۴: ۴/۴۶۳). ۲- اجماعی بودن آن (الکرکی، ۱۴۱۰: ۵/۳۰۹) ۳- نداشتن قطعیت لازم برای انشاء در سایر میرزات (الکرکی، ۱۴۱۰: ۵/۱۰۷) ۴- وجود حدیثی که محلّ الکلام و یحرم الکلام (الحر العاملی، ۱۳۸۹: ۱۲/۳۷۶). که انجام معاملات را مبنی بر استفاده از الفاظ لازم می‌دارد (النجفی، ۱۹۸۱: ۲۲/۲۵۰).

دلایلی که برای ایجاد لفظ استفاده می‌شد، کم‌کم توسط فقهای متأخر و سپس، فقهای معاصر مورد انتقاد گرفته است. اول این که اظهار کردند اجماع ادعا شده منقول است (به دلیل عدم وجود علم به حضور امام در بین مجمعین)، پس اعتباری ندارد (الموسوی الخویی، ۱۴۱۹: ۲/۱۸۳ و شهیدی تبریزی، بی تا: ۲/۱۸۹) و طبق یک نظر اجماع محقق نمی‌باشد به خاطر این که اولاً، نظر فقها مشتت است و هم بعضی از بزرگان فقه به جواز کتابت در وصیت و وکالت نظر داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۱۰۷). ثانیاً آنکه حدیث مزبور نظر به راوی آن (ابن نجیح) قابل اعتماد نمی‌باشد (المرعشی التستری، ۱۳۸۱: ۳/۹۰ و ۹۱ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۱۰۸). ثالثاً، ملاک و قاعده قابلیت عرفی ابراز کردن اراده می‌باشد که غیر لفظ هم می‌تواند آن را انجام دهد (الموسوی الخویی، ۱۴۱۹: ۲/۱۷۸). رابعاً آنکه سیره مسلمین میرز عملی را مثل میرز لفظی در معاملات بکار می‌برند و رد و ردعی هم از طرف شرع وجود ندارد (حسینی مراغی، ۱۴۱۸: ۲/۱۱۷ و مغنیه، ۱۴۲۱: ۳/۱۳) و ملاک آنها هم صدق عرفی عنوان عقد و ایقاع می‌باشد که در این موارد (غیر لفظ) نیز وجود دارد و خامساً آنکه ماهیت معامله برای همه واحد است و اگر اشاره به مورد شخص شود، برای همه اشخاص به کار نمی‌رود (الموسوی الخمینی، ۱۳۶۳: ۱/۵۳). در رویکرد جدید، انشاء به ابراز اعتبار نفسانی به وسیله مظهر تعریف می‌شود (الموسوی الخویی، ۱۴۱۲: ۳/۱۱).

بر طبق این رویکرد، هر چند انشاء معاملات نیازمند کاشف می‌باشد، اما لزومی ندارد که کاشف لفظ باشد (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۲: ۱/۵۰۶ و الموسوی الخویی، ۱۴۰۸: ۲۷۹). و ماده ۱۹۱ق.م. درست مقتبس از همین نظر است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱/۹۸).

پس با صرف نظر کردن از عقیده بعضی از فقها، تمام میرزات را در همه اعمال حقوقی (حتی نکاح) کافی به رسیدن به مقصود می‌دانند (غروری اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱/۴۵ و ۴۶).

با توجه به مطالب بالا، وقوع ایقاعات در فقه ما نیازمند کاشف است. به خاطر این که دلیل شرطیت اعلان در عقود انشائی بودن آنها است. این ملاک در ایقاعات نیز وجود دارد و همانطور که در تعریف بیان شده است، ایقاعات هم در زمره انشائات هستند. با مطالعه کتب فقهی به خوبی

معلوم می‌شود که سیر فکری فقها در عقود و ایقاعات واحد است و کلام شیخ اعظم (ره) موید این مطلب است: «در تحقق اجازه شرط شده است که با لفظی که به طور صریح عرفی بر آن دلالت کند، باشد، مانند اینکه بگوید اُمضیت، اُجزت، ...» (الانصاری، ۱۴۰۹: ۳۳۱/۸).

۲-۳. عدم نیاز اعلان اراده در انشاء ایقاعات^۱

این گروه معتقد هستند که اعلان اراده را در عقود به خاطر رسیدن به مقصود باید پذیرفت و در حقوق ما ماده ۱۹۱ قانون مدنی با صراحت اعلان را شرط وقوع عقود تلقی نموده است، اما در ایقاعات شاهد هیچ یک از این ملاحظات نیستیم. و نیازی هم به اعلان اراده در وقوع ایقاعات نیست و اعلان اراده در ایقاعات فقط برای جنبه اثباتی مفید است (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۰۲ و علی آبادی، ۱۳۸۱: ۱۵، و مدنی، ۱۳۸۳: ۲۸۸). و در نتیجه، از دیدگاه آنها موارد منصوص در قانون مدنی^۲ استثنائی بر اصل عدم لزوم اعلان اراده در ایقاعات است.

همچنین، آنها اعتقاد دارند که ایقاعات اعمال حقوقی یک طرفه هستند و در انشاء آنها نیازی به توافق و تراضی نیست. اما در عقود به خاطر اطلاع طرف دیگر اعلان اراده ضروری است، در حالی که در ایقاعات به توافق نیازی نیست و اراده واحد به تنهایی سازنده است و در ایقاعات اعلان اراده در مرحله ثبوت امری اضافی است (بهرامی احمدی، ۱۳۸۱: ۴۹ و مدنی، ۱۳۸۳: ۲۸۷ و نهرینی، ۱۳۸۵: ۸). پس این گروه بیان می‌دارند که اراده باطنی به تنهایی قادر به انشاء می‌باشد و به خاطر این که ایقاع مولود اراده واحد است و اراده شخص دیگر در ایجاد آن اثر ندارد، کاشف خارجی نقشی در انشاء ندارد مگر این که قانون‌گذار به ضرورت کاشف تصریح نموده باشد (افتخاری، ۱۳۸۲: ۷۱ و مدنی، ۱۳۸۳: ۲۸۸). بعضی دیگر می‌گویند اگر اعلان اراده لازم بود، قانون‌گذار حتماً اشاره به این مورد می‌کرد. قانون‌گذار در ماده ۱۹۱ ق.م. اعلان اراده را شرط وقوع دانسته، در صورتی که در مورد ایقاعات، قانون‌گذار قاعده‌ای کلی وضع نکرده است و در نتیجه، آنها اذعان می‌دارند که حتماً نیازی به این مورد نبوده که قانون‌گذار سکوت کرده است (شهیدی، ۱۳۸۵: ۲۰۳ و علی آبادی، ۱۳۸۱: ۱۵ و افتخاری، ۱۳۸۲: ۷۲).

بعضی دیگر اذعان می‌دارند که ایقاعات چون طرفینی نیستند و اراده واحد سازنده است، نیازی به اعلان ندارند، اما باید به این نکته توجه کنیم که مبنای واقعی شرط شدن اعلان در عقود، انشائی بودن آنها می‌باشد؛ قاعده‌ای که در ایقاعات هم وجود دارد. با توجه به موارد ذکر شده، اکثر احکام مربوط به ایقاعات در هاله‌ای از ابهام پنهان مانده و نظرهای ابرازی با هم در اختلاف هستند. باید توجه به این نکته کنیم که قانون‌گذار همچون اکثر احکام و آثار مربوط به ایقاعات، ضرورت

^۱ unilateral legal act

^۲ منظور از موارد منصوص در ق.م. ایقاعاتی می‌باشد که مقنن ضرورت اعلان آن‌ها را تصریح کرده است. برای مثال، در ماده ۴۴۹ قانون مذکور می‌خوانیم: «فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید، حاصل می‌شود». همچنین، ماده ۲۵۱، ۱۱۴۹، ...

اعلان اراده را نیز به سکوت بر گزار کرده است.

۴. نیاز اعلان اراده در اعمال حقوقی انگلستان

در حقوق انگلیس در قراردادهای دوطرفه قاعده‌ی کلی این است که اعلان ایجاب در عقود حضوری، از شرایط اساسی قبول مؤثر است، به طوری که حتی در صورت عدم اعلان ایجاب، هیچ گونه تعهدی به اجرای مفاد عقد پیدا نمی‌کند؛ چرا که هنوز عقدی شکل نگرفته است. پس مسئولیت اعلام و ابلاغ بر عهده مخاطب ایجاب است. زمانی که دو طرف به صورت رو در رو و در حال مذاکره‌اند، شکلی در اعلان ایجاب و قبول به وجود نمی‌آید. اما دشواری‌ها زمانی به وجود می‌آید که طرفین از راه دور در حال مذاکره هستند، برای مثال از طریق پست، تلفن، فکس، پیک و سایر روش‌های الکترونیکی (ایلو،^۱ ۲۰۰۹: ۲۹).

در حقوق انگلیس، در قراردادهای دوطرفه قبول از لحظه وصول اعلام رضایت به موجب، نافذ می‌شود و مسئولیت ابلاغ قبول را بر عهده مخاطب ایجاب قرار داده و مبنای آن نیز عدم تحمیل تعهدی بر شخص (در این جا موجب) بدون اطلاع می‌باشد. این امر سبب می‌شود موجب از زمان آغاز تحقق عقد و التزام خود آگاه گردد و ندانسته متعهد نشود. اگر هیچ شیوه ابلاغی برای قبولی، قید نشود، نقطه شروع این است که قبول با استفاده از همان شیوه ابلاغ به کار رفته توسط موجب حاصل می‌شود. با این وجود، هر راه معقولانه و متعارف برای پاسخ، معمولاً یک قرارداد را به وجود می‌آورد و طرفی که در حال قبول ایجاب است، مسئول اطمینان از مؤثر بودن شیوه ابلاغ است (چارمن،^۲ ۲۰۰۷: ۲۲).

حقوق انگلیس، تنها ایجاب در اعمال حقوقی یک‌جانبه را به طور ضمنی حاکی از آن می‌داند که نیازی به قبول طرف مقابل نیست و قصد ایجاب‌کننده برای این کار وافی می‌باشد. در حقوق این کشور نیز تا قصد و رضایی نباشد، هیچ عمل حقوقی به وقوع نمی‌پیوندد.

اعلام اراده به مفهوم ابراز و بیان آن است، هر چند مقصود اعلام‌کننده به آگاهی مخاطب است. وقتی که ملکی به شخصی بخشیده می‌شود و با یک اراده انجام می‌شود، این همان مقصود و رضا است که در ایقاعات هم در حقوق انگلستان وجود دارد. انشاء اعتبار نفسانی و ابراز آن است. با ابراز و اعلام اعتبار نفسانی، انشا و در نتیجه عمل حقوقی محقق می‌شود، بدون آن که آگاهی طرف مقابل شرط باشد. به بیان دیگر، برای تحقق عمل حقوقی، اعلان اراده کافی است، نیازی به اعلام آن به طرف خطاب نیست (قنواتی، پیشین، ۲۶۴: شهیدی، ۱۳۹۴، ۱۴۲؛ جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۲، ۱۵۸؛ ابهری، ۱۳۸۲، ۸۵).

در اعلام اراده دو عنصر قابل تشخیص است: عنصر اول محتوای اعلام اراده است، یعنی همان

¹ Elliott

² Charman



چیزی که اعلام کننده اراده، آن را خواسته است و عنصر دوم اراده، اعلام است که عبارت است از اتخاذ تصمیم انجام دادن عملی که به وسیله آن عمل، محتوای اعلام اراده باید به اطلاع اشخاص دیگر برسد (امیری قائم مقامی، ۱۳۹۲: ۱۹۲).

۴-۱. نیاز اعلان اراده در انشای ایقاعات

این گروه اعتقاد دارند که اعلان اراده در مرحله ثبوت نقش خودش را ایفا می کند و از شروط وقوع ایقاعات می باشد، یعنی این که تا زمانی که اراده باطنی اعلان نشود، عمل حقوقی انجام نگرفته است. اعلان را نمی توان آنقدر تنزل داد که فقط حائز جنبه اخباری و اثباتی پیدا کند. اعلان در همه انشائات حقوقی ایفای نقش می نماید و شرطی برای ایجاد اعمال حقوقی است (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۲۴۷، و حسنی، ۱۳۸۳: ۳۵، و دمیرچیلی، حاتمی، قرائی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). در واقع، اعلان اراده به خاطر امور نفسانی جنبه بیرونی و اجتماعی دارد و در قلمرو علم حقوق است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱/۴۴). در نتیجه اعلان اراده است که امور به صحنه مطالعات علم حقوق وارد می شوند (طاهری، ۱۳۸۶: ۴۸). بعضی از این نویسندگان در اثبات ضرورت اعلان اراده در وقوع ایقاع به ماده ۱۹۱ ق.م. استناد کرده اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۶۵ و افتخاری، ۱۳۸۲: ۳۱۹)، اما دلایل این استناد را مشخص نکرده اند. بعضی از حقوق دانان هم ماده ۱۹۱ را مخصوص عقود ندانسته اند و به ایقاعات هم تسری داده اند (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۳۳).

باید گفت که به نظر می رسد امور پنهانی و اراده های باطنی موضوع علم حقوق نیست، چون علم حقوق که برای تنظیم روابط اجتماعی انسان ها است، تنها به اموری رسیدگی می کند که ایجاد شده باشد و کاشف تنها، شرط وقوع است و سبب^۱ ایجاد اعمال حقوقی اراده باطنی (قصد و رضا) است و کاشف باید نشانگر اراده باطنی باشد تا مؤثر شود. در غیر این صورت، عمل حقوقی ایجاد نخواهد شد، زیرا اگر ایجاب و قبول خالی از أجل باشد، عقد به طور دائم منعقد می شود، هر چند که قصد منقطع شده باشد (الطوسی و الهدلی، ۱۴۱۲: ۳۷۳/۲).

ماده ۱۹۱ ق.م. اقتباس شده از فقه امامیه می باشد و با نگاه به مطالب فقهی روشن می شود که دلیل مهم نیاز عقود به کاشف این است که عقود در زمره انشائات قرار می گیرند. این قاعده در ایقاعات هم موجود است. پس با توجه به ماده ۱۹۱ قانون مدنی و تسری حکم آن (شرطیت اعلان) به ایقاعات هم درست است.

۱. منظور از سبب در اینجا چیزی است که برای ایجاد اثر نیازمند وجود شرط و نبود مانع است.

۲-۴. شیوه ابراز اراده در ایقاعات

ابراز قصد درونی از عناصر اساسی در تحقق اعمال حقوقی (چه عقد و چه ایقاع) است. در اجتماع انسان‌ها، شیوه‌های مختلفی برای ابراز قصد باطنی وجود دارد که شارع به پیروی از شیوه معقول و متعارف و به خاطر ایجاد نظم و از بین رفتن ریشه اختلافات در جامعه، برخی از آن‌ها را برای انعقاد اعمال حقوقی تایید کرده است. در اینجا شیوه‌های ابراز اراده که در مورد معاملات حقوقی بیان شده و با توجه به امکان آن در ایقاعات مطرح گردیده است.

۱-۲-۴. اعلام اراده از طریق الفاظ

استفاده از الفاظ آسان‌ترین وسیله برای اظهار قصد می‌باشد. حقوقدانان تاکید دارند که این روش بهترین وسیله اعلام اراده است تا جایی که گروهی اذعان می‌دارند که وسیله منحصر برای اداء قصد انشاء لفظ می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۹۲)؛ «در فقه امامیه الفاظ بهترین وسیله اعلام و ابراز اراده به شمار رفته است تا جایی که در این مورد ادعای شهرت و اجماع شده است» (قنواتی، عبدی پور و وحدتی شبیری، ۱۳۹۶: ۲۶۸).

با توجه به قانون مدنی به نظر می‌رسد که قانون به کارگرفتن وسیله خاص نظیر لفظ را برای اراده نشمرده، بلکه اعلان اراده را با هر وسیله‌ای که بتواند بر آن دلالت کند، قابل اجرا می‌داند؛ زیرا ماده ۱۹۱ قانون مدنی به طور مطلق همراه بودن قصد را با چیزی که دلالت بر آن کند، شروط خلافت قصد اعلام کرده است. الفاظ برای ابراز اراده، جنبه طریقت دارند، نه موضوعیت. ماده ۱۹۳ ق.م. گام را فراتر گذاشته و اذعان می‌دارد: انشاء معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد، حاصل شود مگر در مواردی که قانون، استثنا کرده باشد. پس روش‌های دیگر ابراز اراده به طور مثال در زمینه ایقاعات در ماده ۴۴۹ قانون مدنی آمده است: «فسخ به هر لفظ یا فعلی می‌باشد کافی است چه در مورد اسقاط حق شفعه، و چه در ایقاعات دیگر، ماده ۸۲۲ قانون مدنی، اسقاط را به چیزی که دولت بر صرف نظر کردن از حق مزبور نماید، لازم دانسته. بنابراین، به کارگرفتن وسیله خاصی مدنظر نیست.

۲-۲-۴. اعلان اراده از طریق فعل

ماده ۱۴۳ قانون مدنی مقرر داشته است: «انشاء معامله احتمال دارد به وسیله عملی باشد که بیان‌کننده قصد و رضا است، مانند قبض و اقباض مگر در مواردی که قانون استثناء کرده است». که با در نظر گرفتن مقررات این ماده، معلوم می‌شود به جز در مواردی که قانون استثناء کرده باشد، انشاء عقد با هر عملی که حاکی از قصد باشد، محقق می‌شود. اعلام اراده از طریق فعل خصوصیتی ندارد که صرفاً در مورد قراردادها مطرح باشد. در ایقاع نیز اعلام اراده از طریق فعل می‌تواند ابراز شود؛ چراکه با توجه به ماده ۱۹۳ قانون مدنی، از نظر قانون‌گذار تفاوتی میان

ابزارهای مختلف اعلام اراده وجود ندارد.

ایقاع کننده ممکن است اراده خود بر ایقاع را از طریق انجام فعل و یا ترک فعل ابراز کند. در قلمرو ایقاعات، قانون مدنی با پذیرش «فسخ فعلی» در ماده ۴۴۹ قانون مدنی هر عملی را که در عرف فسخ تلقی شود، موجب برهم زدن قرارداد می داند (ماده ۴۵۱ ق.م). در نظام حقوقی انگلستان هم طرف قرارداد می تواند قصد خود را برای فسخ، با انجام عملی آشکار که در آن اوضاع و احوال منطقی است، محقق سازد. در «اسقاط فعلی» اختیارات، تصرفی مسقط است که کاشف از اراده باطنی است (صالحی مازندرانی و ذاکری نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

۳-۲-۴. اعلام اراده از طریق نوشته

در فقه نوشته وسیله اظهار قصد انشاء نیست مگر در مورد وصیت (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۹۲) و الفاظ وسیله معمول ابراز اراده تلقی شده اند. یکی از فقها اذعان داشته است که: «نوشته در عرف و عادت، مصداق عقد یا ایقاع نیست»؛ در صورتی که گروهی دیگر اذعان کرده اند، نوشته مانند سایر وسایل اعلام اراده، توان دلالت بر مقاصد درونی و اعتبار نفسانی را داراست و وسیله متعارف و مناسبی برای اعلام اراده است (قنواتی، عبدی پور و وحدتی شبیری، ۱۳۶۹: ۲۸۵)؛ بعضی هم بیان کرده اند که نوشتن از اقسام اشاره است، لذا اعلام اراده با آن در صورتی میسر است که شخص قادر به تکلم نباشد (استناد به ماده ۱۹۲ قانون مدنی). ولی اگر نوشتن از اقسام اشاره نیز باشد، با قدرت بر تکلم، با نوشتن اعلام اراده نمودن منافاتی ندارد. در واقع، نوشته عملی است که می تواند مبین قصد و رضا باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۴۸).

۴-۲-۴. اعلام اراده از طریق اشاره

مقصود از اشاره به عنوان وسیله اعلام اراده، تکان دادن عضوی از اعضای بدن بدون استفاده از الفاظ برای دلالت بر قصد و رضا است. در زمانی که شخص نمی تواند صحبت کند، فقیهان امامیه تردیدی بر درستی اراده از طریق اشاره ابراز نکرده اند؛ اما اگر شخص قادر به صحبت کردن باشد، اراده انشایی مقدم است (قنواتی، عبدی پور و وحدتی شبیری، ۱۳۶۹: ۲۸۶)؛ اما ماهیت عمل حقوقی در برابر همه اشخاص واحد است و اگر اراده درباره شخصی که تکلم نمی کند، کاربرد دارد، دلیلی وجود ندارد تا در مورد سایر اشخاص پذیرفته نشود. از سوی دیگر، از دیدگاه قانونی ماده ۱۹۲ قانون مدنی مقرر می دارد: «در مواردی که برای طرفین و یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد، اشاره که مبین قصد و رضا باشد، کافی خواهد بود» (شهیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). از اشاره برای اشخاص لال مادرزاد و لال عارضی استفاده می شود (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۶۸؛ نقل از: صالحی مازندرانی و ذاکری نیا، ۱۳۹۴، ۱۰۹).

۳-۴. قصد درونی و اراده باطنی

قصد درونی و اراده‌ی باطنی باید ابراز و اعلان گردد که این ابزار ممکن است صریح یا ضمنی باشد. در حقوق انگلیس، در اعمال حقوقی یک طرفه ایجاب عملی است که یک نفر یک اراده این کار را انجام می‌دهد و می‌تواند صریح و ضمنی باشد. در نظام حقوقی ما اعلام اراده صرفاً جهت اطلاع طرف معامله نیست، بلکه خود اعلام اراده منشا اثر است. در هر حال، ایقاعات نیز مانند عقود با حق و دارایی دیگران ارتباط دارد و اثر آن محدود به حق و دارایی موقع نیست. کما اینکه ماده ۲۴۸ قانون مدنی در مورد اجازه مالک نسبت به معامله فضولی که خود در زمره ایقاعات است، قائل به اعلام آن به صورت لفظ یا فعل شده است. اعلام اراده در ایقاعات نیز می‌تواند صریح یا ضمنی باشد، مثلاً در مورد فسخ در ماده ۴۴۹ گفته شده: «فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید، حاصل می‌شود (مقصودی و احسانگر، ۱۳۹۴: ۱).

بحث و نتیجه گیری

در انشاء ایقاعات نیز، مانند عقود، اعلان اراده لازم است. دلایلی که طرفداران عدم اعلان اراده ذکر کرده‌اند، اشکال دارد، زیرا اکثر فقها هم اعلان را شرط اعمال حقوقی دانسته‌اند و اگر ما ماده ۱۹۱ قانون مدنی را قبول کرده‌ایم، چه دلیلی وجود دارد که در عقود این ماده را بپذیریم، اما در ایقاعات آن را قبول نکنیم؛ پس اعلان در ایقاعات هم به مرحله ثبوت رسیده است، نه محکمه و اثبات. آنچه که به ایقاع اعتبار می‌دهد، ارادی بودن ایقاع در پرتو احترام به اصل حاکمیت اراده و نفوذ قانون است. حاکمیت اراده در ایقاع در چارچوب قانون است. نباید عدم تصریح قانون‌گذار را دلیل عدم لزوم اعلان در ایقاعات بپذیریم، چون قانون‌گذار در این گونه موارد دچار کاستی‌های زیادی است، همچنان که در بعضی از احکام و قاعده‌ای ماده‌ای مقنن نکرده است. در حقوق انگلستان هم اعلان اراده شرط اساسی اعمال حقوقی است که با عنوان ایجاب و اعلان پذیرفته شده است. با توجه به مطالب ذکر شده، راهکاری که می‌توان ارائه کرد این است که اگر قانون‌گذار در انشاء ایقاعات نیز، مانند عقود، اعلان اراده را مصوب کند، خلاءها و کاستی‌های اعلان اراده در ایقاعات برطرف خواهد شد و ادله مخالفان عدم اعلان اراده در ایقاعات کم‌تر خواهد شد؛ پس لازم است که قانون‌گذاران ایران هر چه سریعتر در این گونه موارد قانون‌هایی را مدون نمایند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- ابهری، حمید (۱۳۸۲). **زمان و مکان انعقاد عقد**، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- احسانگر، نورا؛ مقصودی، رضا (۱۳۹۴). **لزوم ابلاغ و اعلام قبولی در حقوق ایران، انگلیس و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی**، پژوهش‌نامه حقوقی تطبیقی، ۱(۲): ۲۰۷-۱۸۷.
- اصفهانی (فاضل هندی)، بهاء‌الدین محمد (۱۴۲۲ق). **کشف اللثام**، جلد ۸، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اصفهانی، راغب (۱۴۰۴). **مفردات راغب**، بیروت: دارالمعرفه.
- افتخاری، جواد (۱۳۸۲). **کلیات عقود و تعهدات**، چاپ اول، تهران: میزان.
- الانصاری، الشیخ المرتضی (۱۴۰۹). **کتاب المکاسب**، جلد ۸، چاپ اول، قم: النور للمطبوعات.
- الجبجعی العاملی، زین الدین (شهیدثانی بی‌تا). **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، جلد ۳، چاپ اول، قم: نشر مکتبه الدوریه.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۹). **وسائل الشیعه**، جلد ۱۲، تهران: نشر اسلامیة.
- السحانی، جعفر (۱۴۰۵). **تهذیب الاصول**، جلد ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- الطباطبائی الحکیم، السید محسن (۱۴۰۴). **مستمک العروه الوثقی**، جلد ۴، قم: مکتبه المرعشی النجفی.
- الطباطبائی، الحکیم، سید محسن (بی‌تا). **مستمک عروه الوثقی**، جلد ۱۴، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- الطوسی، محمد بن الحسن و الهذلی (محقق حلی)، جعفر بن الحسن (۱۴۱۲ق). **نکته النهایه**، جلد ۲، چاپ اول، بیروت: مؤسسه النشر الاسلامیه.
- العاملی، زین الدین بن علی (۱۴۲۳). **مسالك الافهام**، جلد ۳، چاپ دوم، قم: معارف الاسلامیه.
- الحسنی العاملی، السید عبدالمحسن فضل الله (۱۴۰۷). **بلغه الطالب فی شرح المکاسب**، جلد ۳، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- الحلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۳). **تذکره الفقهاء**، جلد ۱۰، چاپ اول، قم: آل اهل بیت.
- الکرکی، علی بن الحسین (۱۴۱۰). **جامع المقاصد**، جلد ۴، چاپ دوم، بیروت: آل اهل بیت.
- الکرکی، علی بن الحسین (۱۴۱۰). **جامع المقاصد**، جلد ۵، چاپ دوم، بیروت: آل اهل بیت.
- المقدس الاردبیلی، احمد (۱۴۱۶). **مجمع الفائده و البرهان**، جلد ۱۰، چاپ دوم، قم: النشر الاسلامی.
- الموسوی البجنوردی، السید میرزا حسن (۱۳۷۱). **منتهی الاصول**، جلد ۱، نجف.
- المرعشی التستری، السید محمدحسن (۱۳۸۱). **سبیل الارشاد**، چاپ اول، جلد ۳، تهران: میزان.
- النجفی، الشیخ محمدحسن (۱۹۸۱). **جواهر الکلام**، جلد ۲۲، چاپ هفتم، بی‌جا: داراحیاء التراث العربی.

- امامی، سیدحسن (۱۳۶۸). **حقوق مدنی**، جلد ۴، چاپ شانزدهم، تهران: اسلامیه.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). **حقوق تعهدات**، جلد ۲، چاپ اول، تهران: میزان.
- باقری، احمد (۱۳۸۲). **بررسی تحلیلی مبانی فقهی قانون مدنی**، چاپ اول، تهران: آن.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۱). **کلیات عقود و قراردادها**، چاپ اول، تهران: میزان.
- ترحینی العاملی، السید محمد الحسن (۱۴۲۶). **الزبدہ الفقہیہ**، جلد ۴، چاپ سوم، بیروت: دار الفقه لطباعه و النشر.
- توکلی، غلام حسین (۱۳۹۵). **اراده و نقش آن در قلمرو ایقاع**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- قنواتی، جلیل؛ عبدی پور، ابراهیم و وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۹۶). **حقوق قراردادها در فقه امامیه**، تهران: سمت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴). **فلسفه حقوق مدنی**، جلد ۱، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). **تأثیر اراده در حقوق مدنی**، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- حائری، سید علی (۱۳۸۲). **شرح قانون مدنی**، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- حسینی، علیرضا (۱۳۸۳). **فسخ نکاح در حقوق ایران**، چاپ اول، تهران: فکرسازان.
- حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۸). **العناوین**، جلد ۲، چاپ اول، قم: النشر الاسلامی.
- دمرچیلی، محمد و حاتمی، علی و قرائی، محسن (۱۳۸۳). **قانون تجارت در نظم حقوق کنونی**، چاپ هفتم، تهران: میثاق عدالت.
- شهیدی تبریزی، میرزا فتاح (بی تا). **هدایه الطالب الی اسرار المکاسب**، جلد ۲، قم: دارالکتاب.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). **اصول قراردادها و تعهدات**، چاپ چهارم، تهران: مجد.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). **تشکیل قراردادها و تعهدات**، چاپ پنجم، تهران: مجد.
- صلیبا، حمید (۱۳۸۱). **فرهنگ فلسفی**، ترجمه دره بیدی، چاپ دوم، تهران: حکمت.
- طاهری، حبیب الله (۱۳۷۵). **حقوق مدنی ۴ و ۳**، جلد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی.
- طباطبایی الیزدی، سیدمحمد کاظم (بی تا). **حاشیه المکاسب**، قم، دارالکتب.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۲). **ریاض المسائل**، جلد ۷-۵، چاپ اول، بیروت، دارالهادی.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵). **حقوق اداری**، چاپ سیزدهم، تهران: سمت.
- عباسی، جمیله؛ نیک‌نژاد، جواد (۱۳۹۶). **ماهیت و اقسام ایقاعات**، سومین کنفرانس ملی علوم انسانی عراقی، ضیاء الدین (بی تا). **نهایه الافکار**، جلد ۱، بی جا: مؤسسه الوفاء.
- علی آبادی، علی (۱۳۸۱). **ایجاد و سقوط تعهدات ناشی از عقود در حقوق اسلامی**، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- غروری اصفهانی، محمدحسین (۱۳۶۳). **حاشیه المکاسب**، جلد ۱، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- فخارطوسی، جواد (۱۳۸۲). **درمخضرشیخ انصاری (ره)**، چاپ دوم، قم: انتشارات نسیم مهر.
- فخر المحققین، محمدبن علی (بی تا). **ایضاح الفوائد**، جلد ۳، چاپ اول، بیروت: دارالکتب.

- فخر المحققین، محمد بن علامه حلی (بی تا). **ایضاح الفوائد**، جلد ۳، قم: دایره المعارف.
- فصیحی زاده، علیرضا (۱۳۸۲). **اذن و آثار حقوقی آن**، چاپ اول، تهران: دفتر تبلیغ اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). **حقوق مدنی ایقاع**، چاپ چهارم، تهران: میزان.
- فیاض، محمد اسحاق (بی تا). **محاضرات فی الاصول**، جلد ۲، بی جا: النشر الاسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). **قواعد عمومی قراردادها**، جلد ۲، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). **حقوق مدنی خانواده**، جلد ۱، چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). **دوره مقدماتی حقوق خانواده**، چاپ اول، تهران: یلدا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). **قواعد عمومی قراردادها**، جلد ۱، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). **قواعد عمومی قراردادها**، جلد ۵، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۷). **وصیت تحلیلی فقهی و حقوقی**، جلد ۱، بی جا: علوم اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۶۴). **فرهنگ فارسی متوسط**، جلد اول، چاپ هفتم، بی جا: چاپخانه سپهر.
- مجتهد سلیمانی، ابوالحسن؛ صادق موسوی، سید محمد؛ قشلاقی، محسن امامی (۱۳۹۷). **واکاوی تأثیر اراده در تکوین ایقاعات**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۹(۱): ۲۷۸-۲۵۷.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۱۳). **فقه الامام جعفر (ع)**، جلد ۳ و ۴، چاپ دوم، قم: مؤسسه انصاریان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲). **بحوث فقهیه**، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی.
- مکی العاملی، (شهید اول)، شمس الدین محمد (۱۴۰۳). **القواعد و الفوائد**، جلد ۱، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مکی العاملی، شمس الدین محمد (۱۴۱۴). **الدروس الشرعیه**، جلد ۳، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۵). **علم اصول**، جلد ۱، چاپ اول، تهران: مجد.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۳). **انوار الهدایه**، جلد ۱، چاپ اول، بی جا: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۳). **کتاب البیع**، جلد ۱، قم: نشر اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سید مصطفی (۱۴۰۷). **تحریرات فی الاصول**، چاپ اول، بی جا: مؤسسه الطبع و النشر.
- موسوی خویی، سید ابولقاسم (۱۴۱۹). **مصباح الفقاهه**، جلد ۲، چاپ اول، قم: نشر الفقاهه.
- الموسوی الخمینی، السید روح الله (۱۳۸۲). **تحریر الوسیله**، جلد ۱، چاپ دوم، قم: نشر دارالعلم.
- الموسوی الخوئی، السید ابوالقاسم (۱۳۲۴). **المسائل المنتخبه**، چاپ بیست و چهارم، بی جا: دارالزهراء.
- الموسوی الخوئی، السید ابوالقاسم (۱۴۱۲). **مصباح الفقاهه**، جلد ۳، چاپ اول، بیروت: دارالهادی.
- الهدلی (محقق حلی)، محمد بن الحسن (۱۳۸۸). **شرائع الاسلام**، جلد ۳، چاپ اول، بیروت: دارالزهراء.
- نوین، پرویز (۱۳۹۰). **حقوق مدنی تطبیقی، حقوق قراردادها؛ تعهدات رم باستان، فرانسه، ایران و انگلستان**، چاپ اول، تهران: گنج دانش.



- Eisenberg-Melvin A. (2004). **Revocation of Offer**, Wisconsin Law Review.
- Elliott, Catherine, Frances, Quinn. (2009). **Contract law**, 7th edition.
- Stone, Richard. (2002). **The modern law of contract**, Cavendish Publishing.
- Charman, Mary. (2007). **Contract law**, Fourth Edition, William Publishing.
- Cavendish Publishing Ltd. (Self author) (2004). **Contract law**, Cavendish law cards series, Fourth Edition.
- Corbin-Arthur Linton, (1988). **Corbin on Contracts**, West Publishing Company.